

کتابت و پیروزی

کنگهی علم‌ورزانه به لشکرکشی خشایار شاه به یونان

همان‌طور که بارها گفته‌ام، من مورخ نیستم و از چند وجوه مشکلات تاریخ‌نگاری و تحلیل وقایع تاریخی نیز اطلاعی ندارم. ادعایی هم در این زمینه ندارم. فقط به‌عنوان یک پژوهشک که به کندوکاو در تاریخ و باستان‌شناسی علاقه‌مند است. هر جا که صحبت از نژادهای پژوهشی یا تأثیر علم بر یک موضوع تاریخی به میان می‌آید، کوروش کبیر آغاز و آثار و باخاها را می‌خواهم گرفت. توجه به بعضی از نکات تاریخی زیر سایه رشته‌هایی مانند علوم اعصاب و سنگ‌نبشته‌های متعدد شرح‌های امید که توسط محققان فرامرز یا در بعضی از نکات جلب کند. در مقاله پیشین به داریوش کبیر پرداختیم و دیدیم که او چگونه در سنگ‌نبشته‌های متعدد شرح‌های خوبی از اعمال و وقایع زمامداری خود به کار گذاشته است. درست است که صحت این مطالب زیر سؤال است؛ ولی نتوانیم درنگ ماآخذهای دیگر، روایات ایرانی

را نیز از وقایع تاریخی داشته باشیم. شاید هرودوت و سایر مورخان یونانی روایت خود را بیان کنند؛ ولی کتیبه بزرگ بیستون روایت ایرانی را به خوبی به تصویر می‌کشد و از یک سو به‌شدن قضاوت ما درباره داریوش کبیر جلوگیری می‌کند؛ اما متأسفانه این اتفاق درباره خشایارشا نمی‌افتد. این در حالی است که در زمان خشایارشا یکی از مهم‌ترین رویدادهای دوران هخامنشیان رخ می‌دهد و آن هم لشکرکشی او به یونان است. می‌توانیم

درباره خصالت‌های ایرانیان و یونانیان بسیار بگوییم؛ اما نکته‌ای که مغفول باقی مانده، حمله خشایارشا به کنوری بوده که نوبستندگان بزرگی مانند هرودوت پدر علم تاریخ در آن پیورده شده است و نمایش نام‌نویسی مارتان آستوخولوس در این نبرد حضور داشته و نمایش‌نامه ایرانیان را براساس این نوشته است (آستوخولوس، مجموعه آثار، ترجمه عبدالله کوزلی). یونانیان تمایل بسیاری به نوشتن و ازجمله تاریخ‌نگاری داشته‌اند؛ پس نبرد ایرانیان و یونانیان فقط روى مناطق جغرافیایی بوده؛ بلکه نبردی در روایت نیز بوده است. نکته مهم اینجاست که این نبرد روایت را بی‌شک و تمام و در تمام یونانیان برده‌اند. چون آنها روایت خود را از شکست خشایارشا به صورت مسیوط نوشته‌اند؛ درحالی‌که ما هیچ روایت ایرانی را از آنچه اتفاق افتاد، در دست نداریم؛ بنابراین آنچه به دست ما رسیده، سراسر یونانی است. یونانیانی که از لشکرکشی این امپراتوری بزرگ وحشت داشتند و پس از پیروزی تمام تلاش خود را کردند تا دشمن خود را سست‌عنصر، زبون و بی‌اراده تصویر کنند. مسایلی که هرودوت در کتاب‌های خود از خشایارشا ترسیم می‌کند، شاهی است که به اخطارهای خدایان توجه کرد و کم‌رئی به‌ندیری کامل به یونان حمله کرد و در نهایت هم شکست خورد. اگرچه تحقیقات جدید چیزی از نشان نمی‌دهند و سبب شده که پیرو یونانی این نبرد نیز سؤال برود؛ اما باید پذیرفت آنچه در این‌میان دست‌کم گرفته شده است. قدرت روایت است؛ چه اتفاقی افتاد که نوبستگان شکست خورد؟ آیا آن‌طور که مورخان یونانی می‌گویند، اگر خشایارشا پیروز می‌شد، هیچ‌گاه شاهد ناشکستگی تمدن یونانی و رشد اروپا نبودیم؟ معلوم است که در پس تمام این ادعاها اغراق‌های بسیاری وجود دارد که می‌خواهد برتری یونان بر ایران را به رخ بکشد؛ اما اغراق خود سلاحي بسیار مهم است که ایرانیان نشان دادند و چون روایت نگردد، اصطلاحاً قاضی را بیاختند. آنچه در ادامه خواهد آمد، مشخص‌کننده عطل شکست ایران در برابر یونان نیست. در ضمن نمی‌خواهم اثبات کنیم که روایتهای یونانیان درباره این شکست اغراق‌آمیز است. می‌خواهم ببینیم چرا ایرانیان برای این نبرد نوشته‌اند و اگر روایت بسیاری وجود دارد؛ نبرد ایران و یونان از بسیاری جهات می‌تواند اثبات مهم و نو برد آسان‌دوید باشد. البته به‌این معنای تأیید لشکرکشی خشایارشا به یونان نیست؛ اما باید توجه داشت که این لشکرکشی‌ها ذات هر امپراتوری‌ای بوده که سعی در گسترش قدرت خود داشته است. سؤال اصلی ما این است که آیا با وجود شکست این نبرد هیچ دستاوردی برای ایرانیان نداشته است؟ برای پاسخ این سؤال هم نگاهي علم‌ورزانه در این نبرد داریم. اما چه اندازه تفکر علمی در این نبرد دلیل بوده است؟ و چرا این فکر می‌توانسته در فرمک ایرانی‌ها اثره بگذارد؟

عبدالرضا ناصرصدیقی

متخصص مغز و اعصاب

داریوش هخامنشی با کتیبه بیستون خود نتها خود را در قامت یک تاریخ‌نگار نشان داد؛ بلکه همان‌طور که در مقاله «امپراتوری موعظ، طنز و سازش» در دوره درخشان هخامنشی، نگاهی پیش‌بینانه به پادشاهی داریوش اول دیدیم، به‌درستی تأکید بسیاری بر خط و کتابت برای گسترش پادشاهی خود داشت؛ اما این تأکید بعد از مرگ داریوش به محاق رفت و اهمیت آن نادیده گرفته شد. جای تعجب است که از داریوش تا خشایارشا

چنین تفاوت مهمی را شاهد هستیم. تکیه داریوش بر خط و کتابت می‌توانست مقدمه‌ای مهم برای اعتلا و رشد

ایرانیان باشد؛ اما این موضوع نتها به کتیبه‌های رسمی شاهنشاهی محدود بود؛ بلکه به‌عندرج اهمیت خود را

از دست داد. در نگاهی به کتیبه‌های شاهان بعدی نشان می‌دهد که دیگر کتابت آن اهمیت پیشین را نداشته و این

شاهان به ذکر نام خود و مختصری توضیح کلیات کرده‌اند (ماریا یوروسوس، شاهنشاهی هخامنشی از کوروش

بزرگ تا اردشیر اول، هدایه منشاخ، نشر ماهی، پیر لولوک، کتیبه‌های هخامنشی، نازیلا خلخالی، نشر نشر روز).

این در حالی است که انتقادات بسیاری در دوره این شاهان برای امپراتوری ایران افتاده که مرگی از جنبه تاریخی

و تأثیرگذاری آن بر آینده این سرزمین واجد اهمیت بوده است. لشکرکشی خشایارشا به یونان یکی از این موارد

است. لشکرکشی‌های نظامی نمی‌تواند توفیق فرهنگی یک ملت را تضمین کند؛ آنچه باعث تاوام و رشد یک

ملت می‌شود، روایت‌های آنهاست. روایت‌هایی که به آنها نیرو و اراده برای پیشرفت را می‌بخشد. پشتیبان ما

نمی‌نوشند. اینکه بگوییم فرهنگ ما شفاهی بوده، فقط غدری برای پوشاندن آن عیب بزرگ‌تر است؛ ما با ابوهی

از آثار باستانی رویه‌ور هستیم که هیچ تفسیر و توضیحی درباره آنها نداریم؛ زیرا هیچ خوشه‌ای در کار نیست که

توضیح دهد چه اتفاقی افتاده است. شاید بعضی‌دلیل این باشد که تا به امروز شکست ایرانیان در یونان بسیار

مفاجعه‌بار تصور شده و از خشایارشا چیزی که یادمان هست و مستقر و لادزون به تصویر کشیده شده است.

متأسفانه در طول این سال‌ها تاریخ ایرانیان به جز جردن است (همانند یونانیان و به‌ویژه امپرمهدی بدیع) سعی

می‌کنند بر بررسی موضوع خود و از خود نویسدند؛ اما به‌گونه پادشاهی که خبری به‌شکورتی به این عظیمی

را داد می‌کرده و یکی از مهم‌ترین نمادهای ایرانیان یعنی تخت جمشید را در میزان درخورنوجهی گسترش

داده است؛ می‌توانست پادشاهی ظالم، لاف‌زن، بی‌ایافت و حتی خائنترک باشد. من نیز مانند بسیاری دیگر فکر

می‌کردم که میراث مسرموس از خشایارشا و یونانیان در دست مردم است؛ اما مطالعه بعضی‌ها در سالیان

سوزالت بیشتریزی زبانی من مطرح شد و در نهایت به این بررسی رسیدیم. البته من صرفاً به یک‌سری از منابع

محدود نگاه کرده‌ام؛ اما با تأکید می‌کنم آنچه گفته می‌شود، می‌تواند مشابهی طرح سوزالتی شود؛ که شاید

ارزش بی‌گفتن داشته باشد. قبل از هر چیز و به جای تحلیل آنچه هرودوت درباره لشکرکشی خشایارشا به

یونان گفته است، سعی کنیم ببینم از خشایارشا چه چیزی باقی مانده و از آن‌جا می‌توانیم‌ها چه چیزی را

می‌توانیم درباره او فهمیم.
●●●

کتیبه‌های خشایارشا

شاید مهم‌ترین اثر یا‌مانده‌ها کتیبه‌های منسوب به خشایارشا باشد. اگرچه هیچ‌کدام آن بزرگی و بپارای

و باطنی هستند و نادرند و چند جمله کوتاه کرده‌اند که آن هم کپی‌برداری از کتیبه‌های پارس است؛ اما باز

می‌توان از لایه‌ای آنها به موضوعات مهمی دست یافت؛ ازجمله کتیبه‌ای که در وان ترکیه وجود دارد. متن

چالش بازایافت صفحات خورشیدی جهان چه برنامه‌ای برای جمع‌آوری صفحات دریافت‌کننده تابش دارد؟

مس و سیلیکون کریستالی هستند. این مواد و همچنین آلومینیوم و شیشه که کاربردش در هستند. فرورفته می‌شوند و حتی ممکن است در نسل بعدی پنل‌های خورشیدی که بار گرفته شوند. در آمریکا صنعت انرژی خورشیدی نشان‌دهنده سریع‌ترین رشد به‌عنوان منبع انرژی بوده است. فرایند فزاینده تولید کماهی اجامی به آنچه می‌تواند برای افزایش بازآینتگشتی خود رفتار انتظار پنل‌های خورشیدی رخ دهد. ارائه امروزه، در آمریکا تقریباً ۲۰۳ تا ۲۰۷ درصد از نور تابشانی که کارایی خود را به دلیل

قدیمی‌بودن پنل دست‌داندان یا معیوب هستند. در محل دفن زباله‌های این می‌گردند، زیرا این هزینه کم‌چیزتر از بازایافت آنهاست؛ اما طرفداران بازایافت در آمریکا می‌گویند

افزایش بازایافت استفاده مجدد از مواد باارزش متن‌افتر و مس به تقویت اقتصاد چرخشی

کمک می‌کند که در آن استفاده مجدد از مواد، میزان زباله و آلودگی کاهش می‌یابد.

براساس گزارش سال ۲۰۲۱ آرمایشگاه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر (NREL) بازایافت

پنل‌های فوتوالنیکی PV همچنین می‌تواند خطر نشت مواد سمی به محیط را در

محل‌های دفن زباله کاهش دهد. ضمناً باایافت‌های خوش‌بینانه‌تر برای بازایافت بسیار

عقب‌تر است. جسی سمپوزیو، یکی از بنیان‌گذاران SolarCycle است که حدود ۳۰

کارمند برای تولیدکنندگان صفحات خورشیدی و طرفداران فرست‌های بازار برای

بازایافت‌کننده‌ها در آمریکا را در پی خواهد داشت. البته استفاده مجدد از پنل‌های خورشیدی استفاده شده است.

تخمین‌شده، اما همچنان قابل استفاده، هزینه پنهنی است. میلیون‌ها دلار این پنل‌ها

اکنون به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌شوند. درحالی‌که دیگران در نزدیکی

یک خاز دیواره استفاده می‌شوند. به‌عنوان مثال SolarCycle در حال ساخت یک سایت

برای کارخانه گزارش کرده است که از مازول‌های بازآینش‌شده استفاده می‌کند. در

آینده یک عدم تطابق بین افزایش ظرفیت فعلی انرژی‌های تجدیدپذیر از طرف

شرکت‌های برق، شهرها و شرکت‌های خصوصی (سالانه میلیون‌ها دلار در سراسر

●●●



زیا است. آن‌همه را به خواست اهورامزدا کردیم. خشایارشا گوید: اهورامزدا مرا و شهریاران مرا بیاباد و آنچه خشایارشا انجام داده، نریزندگام کوش‌های باستان‌شناسی بوده و این کاشف‌ها باید به ما در بررسی آنها کمک کند؛ اما تکیه چندباره خشایارشا بر کارهایی که کرده، نشلس می‌دهد که خشایارشا نمی‌توانسته پادشاهی باشد که هرودوت و سپس یونانیان دیگر سعی در ترسیم آن داشته‌اند. که چیزی از این ساخته‌ها براساس منابع ایرانی نمی‌دانیم. این همان تأثیر ضعف روایت‌دورزی بر تصدق علمی در ایران است. عدم نیاز به بیان این ساخته‌ها باعث عدم اشاعه ارزش آنها می‌شود. به نظر می‌رسد این شاهان صرفاً به کشورگشایی و پیروزی می‌اندیشیدند و اگر هم چیزی ثبت کرده‌اند، مربوط به فتح‌ها و پیروزی‌های آنهاست. ما روایت دیگری در متشاهده نمی‌کنیم. نه مردمان و نه دانشمندان هیچ‌کدام در این نظام نوشتاری جایگاهی نداشته‌اند. مردمان و دانشمندان نیز خود چیزی به جا گذاشته‌اند. انکار روایت آثری نداشته است.

غلووزی خشایارشا در نبرد با یونان

بر خلاف آنچه مورخان یونانی می‌گویند، حمله خشایارشا به یونان بسیار حساب‌شده بوده و خشایارشا دو درستی‌های خود درایت خود را به نمایش گذاشته است. باید توجه داشت که برخلاف یونانیان، دو کشور غنی از فرهنگ و تفکر به جنگ با هم پرداخته‌اند. این‌گونه نبوده که یونانیان در لح‌ناظر بر ایرانیان غالب

بوده و همین برتری سبب پیروزی نهایی آنها شده باشد. ایرانی‌ها همه را می‌توان از خود تاریخ هرودوت فهمید.

پس سراسر متنی رویم که بیشترین ازج‌اع را در بررسی لشکرکشی خشایارشا به یونان داشته است تاریخ

هرودوت، مرتضی ناقهر، انتشارات اساطیر). همان‌طورکه هرودوت می‌گوید خشایارشا در مورد لزوم حمله

به یونان مردد بود. هرودوت در بیان خود نگاه حکم‌گرای سنگین‌تری به فرهنگ‌های و افسانه‌یابی شبیه

است تا یک بیان علمی تاریخی. اما باز همم از لایه‌های آنها می‌توان نکات مهمی را فهمید. خشایارشا یک

سال‌ساز بی از مرگ داریوش است که متعاقب به حمله می‌شود. مهم‌دودلی می‌تواند نشان‌دهنده هوشیاری و

توجه خشایارشا به مشکلات ممکن باشد و اینکه براساس یک هوس آن‌طورکه هرودوت از قول مردوبی

خوارزدها و داماد داریوش نقل می‌کند تمایل بی‌شک تها، به این حمله نمی‌زد. خشایارشا قبل از

این‌همه نظرها خود را فرمودنی نشانند و سپس شروع به آماده‌کردن سپاه برای حمله به اتن می‌کند. این

مهم نشان‌دهنده شگ و سنگین کردن تمام نظرها بوده و ناملآ هوشیارانه آن کار را انجام داده است. اگر قبل از

صحت‌یابی می‌شیم، به کمکمان این حمله نشان می‌دهد که او در حفظ امپراتوری گشودیده بود. در کتیبه نوبی

در تبریز نیز به موضوع مهمی اشاره می‌کند:

«کتیبه خشایارشا»

همان‌گونه که شایع شده است، قبل از هر چیز و به جای تحلیل آنچه هرودوت درباره لشکرکشی خشایارشا به

یونان گفته است، سعی کنیم ببینم از خشایارشا چه چیزی باقی مانده و از آن‌جا می‌توانیم‌ها چه چیزی را

می‌توانیم درباره او فهمیم.
●●●

جهان نصب می‌شود) و کمبود امکاناتی که بتولند با خیال راحت این مواد را پس از

پایان عمر مفید آن (حدود ۳۰ تا ۳۵ سال) نگهداری کند، مشهود خواهد بود. این

موضوع نیازمند تلاش‌های سریع برای بازایافت پنل‌های خورشیدی بازآینتگشت

براساس آخرین گزارش‌های بویکس و آلومینیوم بکر انرژی مصرف می‌کند که هزینه‌های

مشاوره Wood Mackenzie، انتظار می‌رود ظرفیت خورشیدی در تمام بخش‌های

آمریکا از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۷۲ در طور متوسط ۲۱ درصد در سال افزایش یابد. افزایش

مورد انتظار در قانون بودجه تورم ۲۰۲۲-۲۰۲۳ کمک خواهد کرد که در کنار سایر حمایت‌ها

از انرژی‌های تجدیدپذیر ۳۰ درصد افزایش مالیاتی برای تأسیسات خورشیدی مسکوئی

فرامه شود. طبق برآورد NREL، منطقه تحت پوشش پنل‌های خورشیدی که از سال

۲۰۲۱ تا آمریکا نصب شده و آتیهی که قرار است تا سال ۲۰۳۰ بازآینتگشت شوند، حدود

سه هزار زمین فوتوال آمریکایی مساحت دارد. تیلور کورنسی، تحلیلگر صنعت

نظارتی در این آزمایشگاه می‌گوید: این‌زباله کمی است؛ اما نرخ بازایافت این صنعت

کم‌تر از ۱ درصد است. از پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌تر برای بازایافت بسیار

عقب‌تر است. جسی سمپوزیو، یکی از بنیان‌گذاران SolarCycle است که حدود ۳۰

کارمند برای تولیدکنندگان صفحات خورشیدی و طرفداران فرست‌های بازار برای

بازایافت‌کننده‌ها در آمریکا را در پی خواهد داشت. البته استفاده مجدد از پنل‌های خورشیدی استفاده شده است.

تخمین‌شده، اما همچنان قابل استفاده، هزینه پنهنی است. میلیون‌ها دلار این پنل‌ها

اکنون به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌شوند. درحالی‌که دیگران در نزدیکی

یک خاز دیواره استفاده می‌شوند. به‌عنوان مثال SolarCycle در حال ساخت یک سایت

برای کارخانه گزارش کرده است که از مازول‌های بازآینش‌شده استفاده می‌کند. در

آینده یک عدم تطابق بین افزایش ظرفیت فعلی انرژی‌های تجدیدپذیر از طرف

شرکت‌های برق، شهرها و شرکت‌های خصوصی (سالانه میلیون‌ها دلار در سراسر

کمک می‌کند که در آن استفاده مجدد از مواد، میزان زباله و آلودگی کاهش می‌یابد.

براساس گزارش سال ۲۰۲۱ آرمایشگاه ملی انرژی‌های تجدیدپذیر (NREL) بازایافت

پنل‌های فوتوالنیکی PV همچنین می‌تواند خطر نشت مواد سمی به محیط را در

محل‌های دفن زباله کاهش دهد. ضمناً باایافت‌های خوش‌بینانه‌تر برای بازایافت بسیار

عقب‌تر است. جسی سمپوزیو، یکی از بنیان‌گذاران SolarCycle است که حدود ۳۰

کارمند برای تولیدکنندگان صفحات خورشیدی و طرفداران فرست‌های بازار برای

بازایافت‌کننده‌ها در آمریکا را در پی خواهد داشت. البته استفاده مجدد از پنل‌های خورشیدی استفاده شده است.

تخمین‌شده، اما همچنان قابل استفاده، هزینه پنهنی است. میلیون‌ها دلار این پنل‌ها

اکنون به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌شوند. درحالی‌که دیگران در نزدیکی

یادداشت

آزاینم فرهنگي مردمان و مسولان

فهم سطحي از کنجينه‌اي گرانبهر در کشوري کهن و باستاني



هانی رستگارن

پژوهشگر و فعال حوزه ميراث فرهنگي

«ملت‌که تاريخ خود را نداند، محکوم به تکرار آن است». اين تنها یک عبارت ساده که بتوان از کنار آن گذشت، نيست. فراموشي يعني عامل سايی را جنگ‌ها، نابودي سرزمين‌ها و تمدن‌های بزرگ تاريخي يعني با وجود اینکه همه چیز دادستيم؛ ولی هيچ نشانیتم؛ چون فراموش کرديم. به الزايمير تاريخی دچار شدیم و ميراث گذشتگان خود را به‌مانايه عنصر و موجودی پوسيده و مرده و کهنه می‌پنداريم. دانشمندان! معاصر و در قيد حيات ما که صاحب تيريوں هستند، اشرف از کفتار و بيانات‌شان يدياست نه مطالعه‌ای در باب تاريخ و شناسنامه هويتی یک ملت بزرگ که تليرات شگرف آن در جهان، همواره در طولاي تاريخ به اعتراف معتقد مورخان دوست و مخالف هم‌عصر پوشيده نيست. دارند و نه احترامی برای مواريت تاريخی و فرهنگي مادي و معنوی یک ملت قائم مي‌کنند. بي‌ايد بلندآتما مثال آن افراد در طول تاريخ خود بسيار بودند که همه تلاش خود را برای نابودي فرهنگ و گذشته این ديار کهن به کار بستند؛ اما خودشان در همان تاريخ به پوته فراموشي سرده شدند و آنچه، ميراث معنوی و اصیل ايران‌زمين بود که برای هميشه زنده و باينده خواهد ماند و اتفاقاً خود غربي‌ها ان را بهتر از ما خوانده و می‌شناسند، تمام تلاش خود را به کار بستند تا ايرانی بر يونانیان فائق آمده و به‌ندالان آن بيروزمندانه وارد اتن می‌شوند. اما يک نکته مهم وجود دارد و آن اينست که دليل توفان بخشی از تيروي دريايی ايرانی آن بسين می‌رود. و در ادامه نبرد به‌قول هرودوت آن حفظ نيروی دريايی است که می‌تواند برانده جنگ را تعيين کند. واقعه مهمی که شکست ايرانیان را رقم می‌زند در نبرد سالاميس است. اين شکست شايد ييش از هر چیزی به دليل اشتباه در ادامه جنگ از سوی خشایارشا، ازبين‌رفتن بخشی از تيروي دريايی او در طول جنگ و صديتايه تيروهوشی و دکاوت يونانیان به فرمايد تسولکسوس رخ داده باشد. خشایارشا نياز به ادامه جنگ آن‌هم در دريا نياز نداشت. اما اين اتفاقی است که برای اکثر جنگاوران می‌افتد. آنها همواره نمی‌توانند تصمیم درست را بگيرند. با تصرف این يونانیان دست به عقب‌نشینی زده بودند. شايد چندان انگيزهای برای خشایارشا نبود که بخواهد به نبرد ادامه داد. و از آن ييش‌تر بيروں. اين موضوع دلایل منطقی داشت. خشایارشا موفق به فتح اتن شده بود. در طول این جنگ احتضالا و چنان‌که هرودوت هم می‌گويد بايد هم تيروي زمینی و هم دريايی ايرانی تحليل رفته باشد.

در ضمن سلسله تيجراتا و آذوقه و ييشنايی نیز وجود داشته است؛ ايرانی‌ها همه جنگ ديگر می‌توانست سبب تغيير معادلات شود و تمستولکس از اين موضوع نهايت استفاده را کرد. او به‌خوبی می‌دانست که از دست‌دادن سالاميس به‌معنای بازي بازی است. پس در وهله اول بايد ساييرين را برای یک ويوارویی ديگر راضی می‌کرد. بعد از اين کار تمستولکس يکی ديروهای ايران را به سالاميس می‌کشاند. او در اينجا دکاوت

خود را نشان داد و سبکسوس را در فرصت خزان چانه‌تنگيدند. درحالی‌که سپاه ايران بدون تاکتيک و روش شکست

فرستاده‌ای از سوسو رئيس اتن‌ها معرفی کرد و عنوان کرد که وي ازروي تيرويی شان ابراز دارد. او ادامه داد که تيروهای يونان در حال فرار هستند و اين فرصتی مناسب برای شاه ايران است که با یک حمله کار آنها

است نه یک طرح علمورزان. زیرا هرودوت می‌خواهد سپاه خشایارشا را بزرگ‌ترين سپاه ممکن فرض کند تا در

انتها خفت او را از شکست صدچندان کند. کي اين موارد می‌گذريم و به هنر مندسهای می‌پردازيم که در اين

جنگ از نسوی کوروش به‌کار گرفته شد. اولين آن خفر کانال در نيزه‌جزيره آتوس بود. طبق گفته هرودوت

منايع ايرانی نمی‌دانيم. اين همان تأثير ضعف روایت‌دورزی بر تصدق علمی در ایران است. عدم نیاز به

بیان این ساخته‌ها باعث عدم اشاعه ارزش آنها می‌شود. به نظر می‌رسد این شاهان صرفاً به کشورگشایی و

پیروزی می‌اندیشیدند و اگر هم چیزی ثبت کرده‌اند، مربوط به فتح‌ها و پیروزی‌های آنهاست. ما روایت دیگری

در متشاهده نمی‌کنیم. نه مردمان و نه دانشمندان هیچ‌کدام در این نظام نوشتاری جایگاهی نداشته‌اند. مردمان و دانشمندان نیز خود چیزی به جا گذاشته‌اند. انکار روایت آثری نداشته است.

تنگه تدارک‌اندان اسپيا بر اروپا پياده می‌داد. طبق گفته هرودوت: ۳۶۰ کشتی پنجاه يارویی و زرمناو سه رديفه

در سمت دوتواکسوس (دريای سیاه) و ۳۱۲ کشتی را نیز در سمت ديگر نمود بر يوشواوکسوس و به موزان

جريان آب سوليتوت قرار دادند تا جريان آب کليل‌ها را مکموت کند. کشتی‌ها را با لشگرهای سنگين در سمت

دوتواکسوس ياری اول به نعل دباهلی که در آنجا می‌روند، برآی ايدوم در جهت غرب و برای ايزه به

علت وجود دباهای زفير (غرب) و نوتوس (جنوب) استوار کردند. در محين‌ها در سه نقطه نگه‌ای را کليل‌ها و رود

خروج کشتی‌ها به يوشواوکسوس، باز گذاشتند. پس از استقرار کشتی‌ها در محل‌های مورد نظر، آنها را با کليل‌ها

و سدگيکروهای خود، به ساحل بستند. اين کارها از لحاظ جنگی و صخامت یکسان بودند، اما به جای اینکه

دو نوع کانل را جداگانه به کار ببرند، در هر يل از دو رشته کانل کتانی سفيد و چهار نيش کانل بايروسي استفاده

کردند. ريسمان‌های اليافی از بايروسي محکم‌تر ولي سنگين‌تر بود. هرکدام آن یک تالان (واحد يونان يونانی)

همنين عدم تيروبندي است؛ و نوشتن یکی از مهم‌زين دلالت عمده اشاعه تفکر علمی در فرهنگ ماست. موضوع

بعدي اويوت‌بندي انگيزه‌ها در فرهنگ ایرانی است. درست است که خشایارشا به نيزه نيز بزرگ را فاقد کرد

پای‌ها و ظاب بگشود. در دو سوی يل نیز دره‌های کبرند تا اسبان و قاطرهای نيزه بزرگ در ياری کرد

تصرف خود درآورده بود و معلوم نيست که يونانیان توانایی نومي دروا می‌داشتند یا خير. اینکه چه شد که

خشایارشا يونان را ترک کرد و مردوبيه با سپاه ايران باقی ماند سوالی است که بايد بدان پاسخ داده شود. آیا

واقعا خشایارشا قرار کرد یا نه، آن‌طورکه بعضی از مورخان گفته‌اند ديگر در مناطق دکيکي از امپراتوری

سازا مشعل به‌بلت اعلى خروج خشایارشا از يونان بوده است (تورج دريايي، پادشاه هفت اقليم، ترجمه

سارا شريف‌توقسوس).

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد عدم رشد تفکر علمی در فرهنگ ایرانی در سایه یک نبرد بزرگ مورد ارزیابی و تحلیل

قرار بگیرد. دیدیم که واقعیت نیز با آنچه روایت شده تفاوت مهمی دارد. این تفاوت مهم در عدم روایت‌کردن

ایرانیان از آن نبرد نهفته است. موضوعی که در فرهنگ ایرانی تا همین امروز ادامه یافته است. هنوز که هنوز

است، فرهنگ ما با مشکل نوشتاری روبه‌روست و تا آن ژیت داده‌ها، وقایع و تجربه‌های خود روایت‌ندیم.

همین عدم تيروبندي انگيزه‌ها در فرهنگ ایرانی است. درست است که خشایارشا به نيزه نيز بزرگ را فاقد کرد